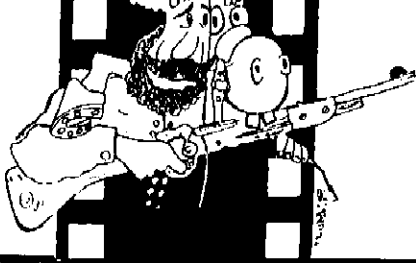


# سینمای گرجستان



## ایلیکو، ایلاریون، مادر بزرگ و من Hico, Iliarion- Grandmother and me

کارگردان: تنفیذ ابولادز تولید: استودیو کروز با فیلم فیلمنامه نادار دوبادز، تی-ابولادز (بر اساس قصه‌ای از ن-دوبادز) فیلمبرداری: کتورگی تالانویسویلی  
بازیگران: سسیلیا تاکیشویلی، مانانا ابازادز، الکساندر خورخولیان، کریکوری کابلادز، زوراب اورخنیکوز سیاه و سفید، نسخه اصلی

زوریکو، جوان قدبلند ولندوک با تسیرا، دخترکی کم سن و سال در جلگه ای از گرجستان زندگی می کنند. آنها از مدت ها پیش یکدیگر را دوست می داشتند. زوریکو برای ادامه تحصیل به تفلیس می رود. وی باید پس از اتمام تحصیل به نزد نامزد و دهکده اش بازگردد. زوریکو در دانشگاه تفلیس دوستان زیادی می یابد و همچنین دختران زیبا روسی نیز در آنجا تحصیل می کنند. اما زوریکو باید به روستایش در کوه های گرجستان برگردد، دوستان موخاکستریش ایلیکو و ایلاریون. اینها نزدیکترین کسانی هستند که در قلب او جای خاصی دارند و آنها نیز پیوند عمیقی با او دارند.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## My Grand Mother (1929)

## مادر بزرگ

کارگردان: کنستانتین منکابریدز تولید: گسکن بروم فیلمنامه: گروگی مدیوانی، سمن دولیدز، ک منکابریدز فیلمبرداری: آنتوان بلنکوویچ، ولادیسر بوزنان  
بازیگران: الکساندر نکاحیش ویلی، ب-چرووا، سی-اوانوف، آتالی هوروا، م-آسازد سیاه و سفید، صامت

یک کارمند و خلیفه شتاس از اداره اش اخراج می شود. همسر کارمند اخطار می کند که اگر به زودی شغلی برای خود پیدا نکند، از او جدا خواهد شد. کارمند اخراجی جستجوی طولانی را برای یافتن شغلی جدید آغاز می کند تا اینکه در ملاقاتی با یکی از دوستانش توصیه نامه ای را دریافت می کند. در آن توصیه نامه آمده بود: آورنده این بسیار خجالتی است او فقیر و بی چیز است و توانایی انجام کاری را هم ندارد.



### وقایع قرن نوزدهم گرجستان (۱۹۷۹)

کارگردان: الکساندر ر خوباشویلی. تولید: استودیو گروزیا فیلم. فیلمنامه: رواز کوسلاوا، الف ر خوباشویلی، آنزور زوگلی. فیلمبردار: گورام شنکلايا. موسیقی: واختانگ کوخانیدز. بازیگران: ماموکاسالوکوادز، ولادیمیر تسولادز، نقییز ماگلاشویلی، تسونامدز مادیشویلی. نیکو شاگرد مدرسه‌ای واقع در یطرزبورگ به دهکده کوهستانی‌اش فراخوانده می‌شود. روستائیان محلی با مشکل بزرگی مواجه هستند. ممکن است که جنگلهای انبوه اطراف دهکده آنها گرفته شود. معلم دهکده امیدوار عرضه‌ای به دست نیکو می‌دهد تا آن را به منامات قضایی تحویل بدهد. مادر مریض نیکو او را دعا می‌کند و از نیکو می‌خواهد تا در جمعی که به نمایندگی از مردم قرار است عرضه را پی‌گیری کنند، سخنگوی آنها باشد. او برچم بدون جویی را بدست می‌گیرد و بدون غذا و آذوقه و به تنهایی به راه می‌افتد...



توبه

### Repentance (1984/86)

کارگردان: جنگیز انولادز. تولید: استودیو کوزنا فیلم. فیلمنامه: نانا اجنیلدز، رزو کوسلاوا، ت- انولادز. فیلمبرداری: سخائیل آگرنویچ. موسیقی: نانا اجنیلدز. بازیگران: آنواندیل مخردز، زینت نوتس واز، کیوان انولادز، ادیشر گئورگیان، کاخی کاوساز. رنگی، نسخه اصلی. شمع جنازه آرام آرویدز در فضایی سنگین و برنکوهی از سوی خانواده‌اش بر گزار می‌شود. وی از چهره‌های سرشناس و محبوب عام بود. روز بعد خیر باور نگردهی می‌رسد منتهی بر اینکه جسد متوفی (آرویدز) در باغی کنار منزل آوول، پیدا شده. با نوحه به جنحالی که می‌نواست این خیر شهر را نکان دهد، جسد مخفیانه به گورستان منتقل می‌شود. اما صبح روز بعد جسد در محل روز پیش پیدا می‌شود و



کارگردان: گئورگی سنگلاباتولید: استودیو گروزیا فیلم. فیلمنامه: ارلون آخولدیانی، گ. سنگلابا فیلمبرداری: کنستانتین آپریاتین. موسیقی: و. کوچیانتر.

بازنویس: آونتدیل ورزی، دیوید آباشیدز، زورات کاپیانسز، تیموراز بریدز، شونا دا ئوشوبلی رنگی، نسخه اصلی

نیکو پیر عثمان هنرمند خود ساخته‌ای است که زندگی خود را از راه نقاشی کردن تصاویری برای میخانه‌های اطراف و اکناف گرجستان می‌گذراند. او دختر خوانده خود را مجاب می‌کند به او کمک کرده تا بتواند کسبی از خود داشته باشد. در این ضمن دو مرد از شهری می‌آیند و به دنبال نقاشی از پیر عثمان هستند که نقش زرافه‌ای را نقش کند. پیر عثمان تابلوی آویزان گاوی را نشان آنها می‌دهد. خواهر نیکو و همسرش به شدت به لحاظ شغلی در فشارند. آنها به نیکو می‌گویند زمان ازدواج فرا رسیده باید با اندوخته‌های او کاری کرد. تصمیم بر آنکه کردن نزدیک می‌شود. نیکو همه چیز را رد می‌کند. او در جمع کثیری از مردم فقیر خود را می‌یابد. او حتی تصویر دو گاو را می‌فروشد و می‌رود.



Hey maestro (1987)

### هی، استاد موسیقی

کارگردان: نودار مناکادز تولید: استودیو گروزیا فیلم. فیلمنامه: اوسن آخولدیانی، دیوید چوا خیشولی. ن- مناکادز فیلمبرداری: لوان یاداسوبلی. موسیقی: نودار مامیساخوبلی. بازیگران: تنگیز آمیریدز، دالی چیتلادز، مکولا گوناشوبلی رنگی، نسخه اصلی

به نظر می‌رسد که تمام مردم آرکیل را فرد ناتوانی می‌دانند. او در کنسرواتوار تحصیل کرده و آرزوهای بلندی داشت. معلم آرکیل برای او آینده‌ای روشن را پیش‌بینی می‌کرد. اما روزها می‌گذشت و او همچنان تنظیم کننده عادی پیانو باقی مانده بود. چرا چنین اتفاقی افتاد؟ ممکن بود که او خیلی صادق و صریح باشد البته بیش از حد معمول. آیا ممکن است که او راه سهل‌الوصولی را برای موفقیت انتخاب کرده باشد؟ شاید. اما آرکیل فلش را در راه کارش فرار داده است. او مهربان و جدی است و این خیلی بیش از آن چیزی است که باید باشد. او در هر کاری شرافت و منابت خودش را حفظ می‌کند و همیشه بر عقاید و حقایقی که به آنها باور دارد، محکم ایستاده است. سرنوشت اینطور رقم زد که آرکیل با دختر جوان و تنهایی آشنا شود. شاید همه چیز می‌توانست در زندگی آرکیل تغییر کند. البته این بر حسب شانس نیست که مردم آرکیل را رهبر ارکستر می‌نامند. شاید که او موسیقی - دان نشود اما همسته روحیه‌ی موسیقی‌دان را دارد. در کارهایی که کسل کننده و کم ارزش جلوه می‌کند فرد خیره‌ای است. به همین دلیل است که او یک رهبر ارکستر شناخته شده است.



### KHAREBA & GOGI (1989) خاریبا و گوگی (۱۹۸۹)

کارگردان: گئورگی شنگلایا تولید: استودیو گروزیا فیلم فیلمنامه: ننادو نالاردخیشوبلی، گئورگی شنگلایا فیلمبرداری: لری میچیز مدیر تولید: واسیلی آبایدز  
 بازیگران: عمر پاخاکادز، لوان ندیاشوبلی، میخائیل سانادز، اوبار مگونینو خونسیسی، الکساندر کایوانوسکی  
 رنگی، نسخه اصلی

در سالهای آغازین قرن نهم که انقلاب مردم در سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ بر علیه امپراطوری تزاری روسیه شکست می خورد، ایالت کاختیا در گرجستان به جایگاه مردم مبارزی تبدیل می شود که هنوز بر علیه نیروهای تزار روس در حال جنگ بودند. یکی از این گروهها معروف به «پسران» به نزدیکی شهر تلاوی رسیده و شهرتی برای خود کسب کرده بود. آنان گروهی بودند متشکل از جوانان پرشور و با اعتقادی راسخ که با امپراطوری و ثروت اندوزان مدام در حال جنگ و کشمکش بودند.  
 مردم کاختیا گروه پسران را کرامی می دانستند و به گرمی از ایشان پذیرایی و حمایت می کردند. گروه پسران توسط خاریبا و گوگی رهبری می شد. آنها رهبران بسیار قوی بودند چرا که با کتون پیروزیهای بزرگی را همچون حمله به پادگان تلاویا و آزاد کردن زندانیان سیاسی قمار رود بدست آورده بودند. جنگلهای گرجستان صحنه بیکار خونینی بین گروه مردمان مبارز با نیروهای تزار می شود و هنوز مردم کاختیا افسانهها و داستانهای زیادی دربارهی ایشان در سینهها دارند و مراسم مردم روایت می شود.

پرتال جامع علوم انسانی

### NyLon New Year Tree (1986) درخت نابلونی سال نو

کارگردان: دیندزو اسادز تولید: استودیو گروزیا فیلم فیلمنامه: امیران دولیدز، ر. اسدز فیلمبرداری: لئون پاداش ولی موسیقی: مدزنتا لیورتادز  
 بازیگران: روسلان منکاریدز، زورات کت خدز، زورات دیبانیدز، اجوملکلاچوبلی، ر. اسادز  
 سیاه و سفید، نسخه اصلی

ساعتها قبل از آغاز سال نو، عدهای از مسافران در ایسوس سی همراهی در انتظار ادامه سفرشان از بلیس به کوبالسی هستند. مسافران نخله دارند که قبل از آغاز سال نو در خانه باشند و بجهانی در این باره دارند. راننده جیمزی را در صندوق فرار می دهد و مردم جسم دختر نخله ای را گرفته اند. ولی بلیس در



تعجب اتوبوس است. اتوبوس پلیس سعی می‌کند که اتوبوس را نگیرد. هر یک از مسافران نظری دارند ولی حقیقت این است که دختر از خانه گریخته و والدین نگران او به همراه پلیس در تعجب اویند. هر یک از مسافران از خود عکس‌العملهایی را در این خصوص بروز می‌دهند.



### الاغ مگ دانا (۱۹۵۵) *رساله جامع علوم انسانی*

کارگردان: چنگیز آولادز، رزوخیدز تولند. کروسا فیلم فیلمنامه: کارلو کوگودز (بر اساس قصه‌ای از بی- گاشویلی) فیلمبرداری: ل- سوخف، الکساندر دیکملوف. موسیقی: آ- کرسلیدز. بازیگران: دودوخانا سرودز، آنکای و اسادز، م. ناراجویلی. سیاه سفید، نسخه اصلی.

مگ دانا زن بیوه فتری است که برای ارزاق سه فرزند خود به شدت کار می‌کند. نام آنها سافو، میهو و دانو است او محسور است هر روز بارهای سنگین را در فرسنگاهی جابجا کند. بچه‌ها کره‌الاغی را به طور اتفاقی در حاده یافته و آنرا به خانه می‌برند. بزودی کردالاغ در باربری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با پیدا شدن صاحب کره‌الاغ قصه بالا می‌گیرد. مگ دانا از ساز برداشتن آن خودداری می‌کند. سرانجام کار به دادگاهی می‌گردد و کره‌الاغ به صاحبش بازگردانده می‌شود. مگ دانا افسرده و ناامید به خانه باز می‌گردد.



### Eliso (1928)

### الیسو

کارگردان: نیکولای شنگلای تولید: گوزلینیروم / کروژیا فیلمنامه: اولک لئونیدف، سرگئی نرنیاکوف، ن. شنگلای (براساس قصه‌ای از الکساندر کازلکی). فیلمبرداری: ولادیمیر کرسیلدز بازیگران: کیرالندرونیکاشویلی، کوکناکارالاشویلی، الکساندر ایگداشویلی، ۱۰ مامپوری، الکساندر خورخولیان

تاریخ حماسی گرجستان، یادآورندهٔ سرنوشت غم‌انگیز ملنی است که در سال ۱۸۶۴ توسط تزار، امپراطور روسیه سرکوب شدند. ستم از آنجا آغاز شد که سازور زمینهای حاصل خیز به تصاحب ایشان درآمده و صرف‌ها را از زمینهای اجدادیشان راندند. شرایط به گونه‌ای بود که کشاورزان از به طور اسف‌انگیز از حقوق خود محروم شده بودند.



### پدر بک سرباز (۱۹۶۷)

کارگردان: رزو چیخوز تولید: استودیو کروژیا فیلم: فیلمنامه: شلیکورتسی و رزو چیخدز فیلمبرداری: لوسخف، آ. فیلیپش ویلیبی، ل. ناکالاش ویلی. موسیقی: سولخان سنناز بازیگران: سرگئی زاکارادز، ولادیمیر بریوالتسو، کتو بوچوریش ویلی، آ. نظراف، آ. لندف سیاه و سفید، نسخه کامل

در روزهای آغازین جنگ جهانی دوم، کریگورین کساوز سفر طولانی را برای دیدن پسرش که در جنگ زخمی شده و اکنون در بیمارستانی بستری است را آغاز می‌کند. او در این راه فحاح جنگ را به چشم می‌بیند. کریگورین که واسنگی زیادی به زمین دارد از منهدم شدن بخش وسیعی از زمین‌های کشاورش

عمیقاً متأثر می‌شود. زمانیکه به بیمارستان می‌رسد متوجه می‌شود که پسرش به‌واحد زره پوش (تانک) خود بازگشته است. کشاورز که برای دیدن پسر خود اصرار دارد، در گرما گرم پیکار تصمیم می‌گیرد که به ارتش ملحق شود. اما عشق وافر و به زمین باعث سردرگمی او شده است. سرانجام کشاورز پسرش را در حالی می‌یابد که در آتش سوخته و پسر پس از چندی در دستهای او جان داده است.

## نامادری سامانی‌شویلی      The Stepmother SAMANISHVILI

کارگردان: الوار شنگلايا توليد: استوديو گروزيا فيلم: فيلمنامه: رزوحيش ویلی: جی-

شنگلايا فيلمبرداري: لومر خولديان، بوری سخر تلادز

بازیگران: واسیلی کاخنیا شویلی، لمیدو کاخالنی، نودار جوجاندز، ولزی نیاریدز.

رنگی، نسخه اصلی

بکیئا سامانشویلی از نجبا و اشراف سرشناس تصمیم می‌گیرد که ازدواج کند. هیچ تشویقی در مخالفت با این تصمیم نتوانست او را متصرف کند. پسر او پلاتون عمیقاً نگران این تصمیم پدر بود چرا که شاید از ثمره این ازدواج فرزندی بدید باید و این یعنی سهم شدن اشخاص دیگری در ارت پدری. پلاتون تلاش می‌کند با پدر را متصرف کند و یا تمهیدی را بیاندیشد. سرانجام باطرح نقشه‌ای و به کمک برادر زن خود (کریلی مینو شویلی) زنی را می‌یابد که نتواند فرزندی بدنا آورد. آن زن پلاتا نام داشت. سرانجام مراسم ازدواج سر می‌گیرد. و پلاتون از اینکه آنچه می‌خواسته حاصل شده، بسیار خوشحال بود. اما چندی نمی‌گذرد که نامادری (پلاتا) باردار می‌شود. پلاتون خوش خیال فقط یک نفر را رقیب ارت پدری خود می‌دانست و آن نامادری اش بود اما اکنون پای فرزندی نیز در میان است. پس از مدتی پدرش بکیئا می‌میرد و تمام آرزوهای پلاتون بریاد می‌شود.

